

ملاحظات تاریخی درباره آمار سیمین ساسانی و ایرانی

ترجمه بهروز وجدانی

نزدیک به دوهزار سال پیش از این، تاسیتوس، مورخ رومی، چنین نوشت: « [ژرمن ها] سیم را بیش از زر به کار می بردند، اما نه از روی خواستی ویژه، بلکه چون [سکه] سیم، ایشان را در دادوستد کالاهای کم بها بهتر یاری می کند.» این گواهی و نظایر آن به رواج گسترده این باور منجر شد که نقره پول رایج نزد مردمانی که در جلگه می زیستند بوده است، و طلا پول ارجح نزد مردمانی که در جنوب ساکن بودند. لیکن مسأله به این سادگی نیست، و بررسی آن می تواند اطلاعات جالبی در مورد کاربرد فلزات گرانبها در ازمته باستانی فراهم کند.

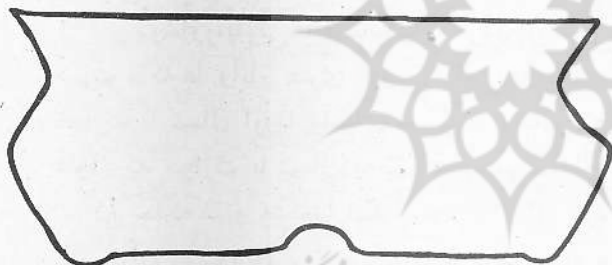
تنها سلسله هایی که پیش از ظهور اسلام به ضرب سکه های طلا به عنوان پول رایج پرداختند، و این کار را در طی حکومت فرمانروایان متعدد ادامه دادند، در مغرب، امپراطوران روم و بیزانس بودند، و در مشرق، سلاطین هخامنشی و کوشان. در امپراطوری روم، از هر دو فلز طلا و نقره برای سکه زدن استفاده می شد، ولی از بیزانسی ها سکه های نقره چندان بر جا نمانده و ضرب سکه از این فلز نزد آنان پی گیر نبوده است. در امپراطوری هخامنشی، مسکوکات ولایتی از هر دو فلز نقره و مس ضرب می شدند، حال آن که کوشان ها به این منظور فقط از طلا و مس استفاده می کردند، و تازه در عصر جانشینان آنها بود که نقره به کار گرفته شد. محتمل ترین توجیه این تحولات پولی را عوامل اقتصادی تشکیل می دهند، گو این که ادعای حکومت جهانی، یا استیلا بر توده پیروان، نیز می تواند عامل محرکی برای ضرب مسکوکات طلا نزد چهار سلسله ای که بر شمردیم بوده باشد.

اگر مسکوکات را پی بگیریم و اشیاء ساخته شده از فلزات گرانبها را با آنها بسنجیم، با شگفتی درمی یابیم که انواع ظروف و تزیینات زرین نزد هخامنشیان به وفور، نزد رومیان بالنسبه کمتر، و نزد بیزانسی ها به ندرت یافت می شوند، در حالی که نزد کوشان ها تقریباً غایب هستند. در برابر با گنجینه چشمگیر اشیاء زرین استی، که اکنون در موزه ارمیتاژ لنینگراد نگهداری می شود، و با فقدان طلا و ترجیح نقره نزد دیادوک ها^۲، پارتی ها و ساسانی ها مواجهیم. و سرانجام، بیشترین شمار ظروف

- 1- Tacitus
- 2- Scythian
- 3- Diadochi

سیمین ساسانی و بیزانسی در قلمرو اتحاد شوروی یافت شده‌اند. توجیه همه این پدیده‌ها باید میسر باشد.

منابع طلا در جهان باستان، متنوع و از اسپانیا تا کوه‌های قفقاز والتای پراکنده بودند. اما به نظر نمی‌رسد که محل معادن این فلز به اندازه اقتصاد بر عادات و سنن کاربرد آن حاکم بوده باشد. مهمتر از همه باید مسیر جریان طلا را تعقیب کرد، و این چندان دشوار نیست. در عصر هخامنشیان، جلال و ثروت دربار، طلا را به‌سوی آن جلب می‌کرد. ازسوی دیگر، اشیاء زرین سیتی، هم‌کهنتر از طلاهای هخامنشی هستند (اگرچه بعضی با آنها هم‌عصرند)، وهم ناشی از منطقه‌ای برون از قلمرو هخامنشیان. به‌ظن قوی بشقابها، جامها و کاسه‌های زرینی به رسم هدیه توسط شاهان هخامنشی به مقربان یا فرمانروایان بیگانه داده می‌شد. به‌نظر می‌رسد که شکل برخی از اشیاء زرین هخامنشی از یونانیان به عاریت گرفته شده است، ولی البته این نظر باید به‌اعتبار بررسی دقیق ظروف تاریخ‌گذاری شده فلزی، از جمله آنهایی که از فلزات گرانبها ساخته شده‌اند، تأیید شود. انواعی از این‌گونه شکل‌های اصیل ایرانی می‌تواند ظرف معروف به «فیاله‌مزو مفالوس»^۴ (شکل ۱)، جام‌های دارای طرح «گلبرگی» (شکل ۲) و احتمالاً شکل‌هایی از جام‌های معروف به «ریتون»^۵ را شامل شود. فکر کلی «ریتون»، خود می‌تواند در زمانی بسیار کهن



شکل شماره ۱



شکل شماره ۲

- 4- Phiale mesomphalos
5- Rhyton

از ایران سرچشمه گرفته باشد. لیکن در اینجا بحث بر سر منشاء عاریتی یا اصیل شکلهای شاخص یا نقوش روی ظروف نقره‌ای یا طلایی بی‌مورد است.

و فور طلا در امپراطوری هخامنشی، که از وجود مسکوکات، ظروف و سایر اشیاء آشکار می‌شود، در پی فتوحات اسکندر ادامه نیافت. گویی دیادوک‌ها، یعنی حاکمان جانشین اسکندر در سرزمینهای فتح شده به دست او، دیگر استطاعت آن را نداشتند که به ساختن اشیاء نفیس زرین پردازند، و در عوض ترجیح می‌دادند که طلا را به عنوان پشتوانه مالی ذخیره کنند. با گسترش قلمرو امپراطوری روم، طلا به سوی روم، که مرکز قدرت و ثروت بود، سرازیر شد. اما روسیان این طلا را به هند فرستادند تا در برابر آن ادویه و دیگر محصولات تفننی مشرق زمین را وارد کنند، چون در جهان باستان، ادویه به منظور نگهداری گوشت و سایر اغذیه، از عصر کنونی که در آن وسایل سردکننده موجود است، اهمیتی بس عمده‌تر داشت. به علاوه، هند در سراسر تاریخ، سرزمینی بود که در آن نسبت موجودی طلا به نقره بیش از جاهای دیگر بود و در برابر نسبت معمول ۱۰ تا ۱۱ به یک، به ۱۳ تا ۱۴ به یک می‌رسید. در نتیجه طلای بسیاری از امپراطوری روم خارج می‌شد، صرفاً به این دلیل که فروش آن در مشرق زمین به صرفه نزدیکتر بود. بعداً نیز بحران اقتصادی امپراطوری روم ظاهراً مقادیر عمده‌ای طلا را از بازار خارج کرد. و متعاقباً، اگرچه بیزانشی‌ها ضرب سکه طلا را تجدید کردند، و فور این فلز به حد پیشین خود نرسید. در خاور، پارسی‌ها و ساسانیان هر دو از مسکوکات نقره استفاده می‌کردند، و به ندرت سکه‌ها و آثار هنری زرینی از این دوره‌ها یافت می‌شود. در دوره ساسانیان، تجارت با شمال اروپا و آسیای مرکزی و خاور دور گسترشی چشمگیر پیدا کرد. از آنجا که تجارت با شمال به طور عمده بر مبادله نقره جنوب با محصولات مردمان ساکن جلگه‌ها و جنگلها استوار بود، انتقال نقره به سوی شمال صورت می‌گرفت، که در آن سودی بالاتر از دیگر جاها به بار می‌آورد. بی‌گمان رقابت بین بیزانشی‌ها و ساسانیان در این تجارت شدید بود. کالاهایی که بازرگانان جنوب را آتچنان راغب می‌ساخت چه بودند؟ در مقام نخست، عسل، یعنی منبع شیرینی در اعصار باستانی بود، و به دنبال آن پوست حیوانات، که همانند امروز در زمره کالاهای گرانبها قرار داشت. موم زنبور عسل و کهربا اهمیت کمتری داشتند، در حالی که عاج گرازماهی در جنوب به مراتب ارزنده‌تر از عاج فیل شمرده می‌شد. نقره، که عمده‌ترین فلز گرانبها در امپراطوری‌های رومی و ساسانی بود، در این تجارت مبادله می‌شد و چیرد دست‌ترین صنعتگران هر دو امپراطوری به هنرنمایی بر اشیاء سیمین می‌پرداختند به طوری که دستمایه‌هایشان در سراسر گیتی به منزله آثاری برخوردار از هر دو ارزش زیبایی و مادی نگریسته می‌شدند. در بین مردمان فینو-اگرین شمال روسیه، بدون شک در اختیار داشتن جامها و بشقابهای سیمین چشم‌نواز و نفیس بر وجهه

دارنده آنها می‌افزود. پس برای بازرگانان و کاروانهای جنوب، اشیاء نقره‌ای مناسبترین کالاهای تجارتي را تشکیل می‌دادند، چون هم وزن و اندازه کم داشتند و هم بسیار گرانبها بودند. از این رو تجارت نقره باروسیه برایشان بسیار اهمیت داشت. رقابت بین امپراطوری‌های بیزانس و ساسانی به تقلید هریک از دیگری منجر شد، همچنان که در بسیاری زمینه‌ها مشهود است. هرچه باشد، فرمانروایان این دو امپراطوری، خود را نمایندگان دو دولت معظمی می‌شمردند که بار فرهنگی جهان متمدن را بر دوش داشتند. پس طبیعی بود که هر دو، به‌رغم سالهای متمادی کشمکش و جنگ بی‌امان، یکدیگر را محترم بشمرند. محتمل است که ساسانیان، بسیاری از اصلاحات دیوکلسین^۷ در امپراطوری متأخر روم را تقلید کرده باشند. آیا شواهدی بر تقلید ایشان در زمینه نقره موجود است؟ به‌نظر می‌رسد که به عاریت گرفتن‌هایی در مورد عادت ثبت وزن شیء و نام مالک آن روی اثر، و همچنین محتملا در مورد دستگاه اوزان، رخ داده است. پس هریک از این موارد را به‌نوبه خود بررسی کنیم.

عادت ثبت اسامی و اوزان، و نیز موضوعات دیگر، بر اشیاء سیمین، به‌حد و فور در مورد عصر کلاسیک تاریخ یونان تأیید شده است. لیکن شواهدی در دست نداریم که ثابت کنند این یادداشت‌ها الزام قانونی داشته یا منظوری رسمی را برمی‌آورده‌اند. در برابر، در امپراطوری بیزانس چنین نیست. نخستین مهرها یا اسامی سلاطینی که بر اشیاء سیمین بیزانسی خودنمایی می‌کنند به‌عصر آناستازیوس^۸ اول (۴۹۱ تا ۵۱۸ م.) مربوطند، و این روش تا عصر کنستانس دوم^۹ (۶۴۱ تا ۶۶۸ م.) ادامه می‌یابد. پژوهندگان در تاریخ بیزانس به‌خوبی با اصلاحات پولی آناستازیوس آشنا هستند؛ اصلاحات وی در مورد مسکوکات مسین به‌سال ۴۹۸ میلادی باز می‌گردد. دوره فرمانروایی آناستازیوس با اوان سلطنت قباد، پدر خسروانوشیروان، در امپراطوری ساسانی مقارن بوده، و این زمانی است که در امپراطوری ساسانی نیز اصلاحات و تحولات گسترده‌ای آغاز شد. پس از آن، در عصر سلطنت ژوستینین^{۱۰} (۵۲۷ تا ۵۶۵ م.) نظام تازه‌ای در مورد علایم شاخص اشیاء نقره‌ای در امپراطوری بیزانس متداول شد. در دید نخست، انتظار می‌رود که اگر تأثیری از غرب به‌شرق صورت گرفته، در ایام آناستازیوس یا ژوستینین بوده باشد. نشانه‌هایی از بروز این‌گونه انتقالها در عصر آناستازیوس وجود دارد، اما نه در حدی که اطمینان حاصل شود. می‌دانیم که از زمان آناستازیوس تا هرآکلیوس^{۱۱}، در ابتدای قرن هفتم، ضرابخانه‌های بیزانس در بخش خاوری این امپراطوری، سکه‌های سیمینی خارج از معیارهای رایج می‌زدند. محتملا بهای نقره مسکوک از بهای بازار این فلز نازلتر بود، به‌طوری‌که

7- Diocletian

8- Anastasius I

9- Constans II

10- Justinian

11- Heraclius

ضرابخانه‌ها از عهده خریداری نقره‌ای که به‌طور ارجح به ساختن بشقاب و کاسه صرف می‌شد بر نمی‌آمدند. مهر زدن بر ظروف نقره‌ای محتملاً به منظور ثبت و نظارت بر آنها از حیث مالیاتی مقرر شد. اگر این امر در امپراطوری بیزانس صحت داشته، می‌توان تصور کرد که وضع مشابهی در امپراطوری ساسانی هم‌جوار آن برقرار بوده است. نظری به خاوربیینکنیم.

در ایران شواهدی موجود نیست که از کاهش ضرب سکه‌های نقره پس از دوره سلطنت قباد حکایت کند. همچنین شواهدی در دست نداریم که بر تقلید ساسانیان از روش‌های بیزانسی در مورد تعیین ارزش مالیاتی یا ثبت مشخصات ظروف نقره‌ای دلالت کند. با این وجود، اکثریت عمده یادداشت‌های روی ظروف نقره‌ای به‌خط روان متأخری از پارسی میانه، و معمولاً به‌صورت نقطه‌چین، نگاشته شده‌اند، که حداکثر به‌اواخر قرن پنجم باز می‌گردد. اکثر یادداشت‌های روی ظروف سیمین ساسانی را می‌توان شاخص دیرین‌ترین تاریخ مسلم آنها تلقی کرد، نه یک وسیله مطمئن تاریخ‌گذاری، چرا که بی‌گمان نقره‌آلات عتیقه‌ای نیز به‌همراه آثار معاصر در زمان ثبت یا نشانه‌گذاری به ثبت رسیدند. باید تأکید کرد که این فرضیه‌ای است که می‌باید با فراهم آمدن اطلاعات بیشتر به آزمایش گذاشته شود. یک مسأله دیگر در مورد نقره‌های ساسانی، دستگاه اوزان به کار رفته است. یادداشت معمول، نام مالک ظرف و وزن آن را شامل می‌شود. یک عبارت غالباً در یادداشت‌های روی ظروف نقره‌ای به چشم می‌خورد، ولی شکل آن چنان متغیر است که مشکل می‌توان شکل اصیل آن را معین کرد (شکل ۳). خودم مدتی پیش، از روی نومییدی، املائی «سالاک»^{۱۲} را برای این‌گونه «انگ» ها پیشنهاد کردم، اما این تهجی، همانند پیشنهاد «کاساک»^{۱۳} از سوی هرترزفلد^{۱۴} یا «خسراو» از جانب گیرشمن^{۱۶}، نمی‌تواند معتبر شمرده شود. اخیراً نیز دو محقق روس پیشنهاد کرده‌اند که عبارت مزبور را باید شکل ساده شده عدد ۲۰۰، یعنی ترکیب دو و یکصد، دانست. اما این، به دو دلیل، نامحتمل است؛ اولاً تعداد آحاد \times ، که عبارت را رقم می‌بخشد، در پی عبارت می‌آید، مانند $\times ۲$. ولی اگر \times به منزله ۲۰۰ باشد، $\times ۲$ نمایانگر ۴۰۰ است. پس چرا نشانه معرف ۱۰۰ و به دنبال آن ϵ را ثبت نکرده‌اند؟ این معقولتر از نوشتن $\times ۲$ به منزله ۴۰۰ می‌نماید. ثانیاً عبارت نمایانگر یکصد به علاوه دو به هیچ رو شبیه عبارت روی این ظروف نیست. خوشبختانه عبارت نمایانگر ۲۰۰ را در نبشته‌ای که رمز آن را هنینگ^{۱۷} گشوده است در اختیار داریم، و آن با \times فرق دارد (شکل ۴). همانند قبل، شخصاً معتقدم که \times علامت

12- SALAK

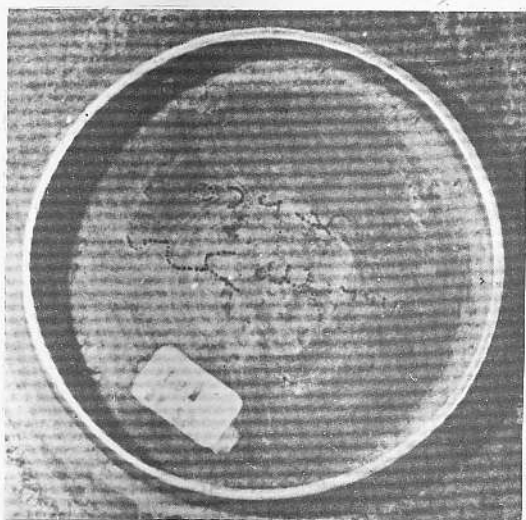
13- KASAK

14- Herzfeld

15- XSRAV

16- Ghirshman

17- Henning



دولبر ، دولبر = 200

در ، در ، در = x

شکل شماره ۴

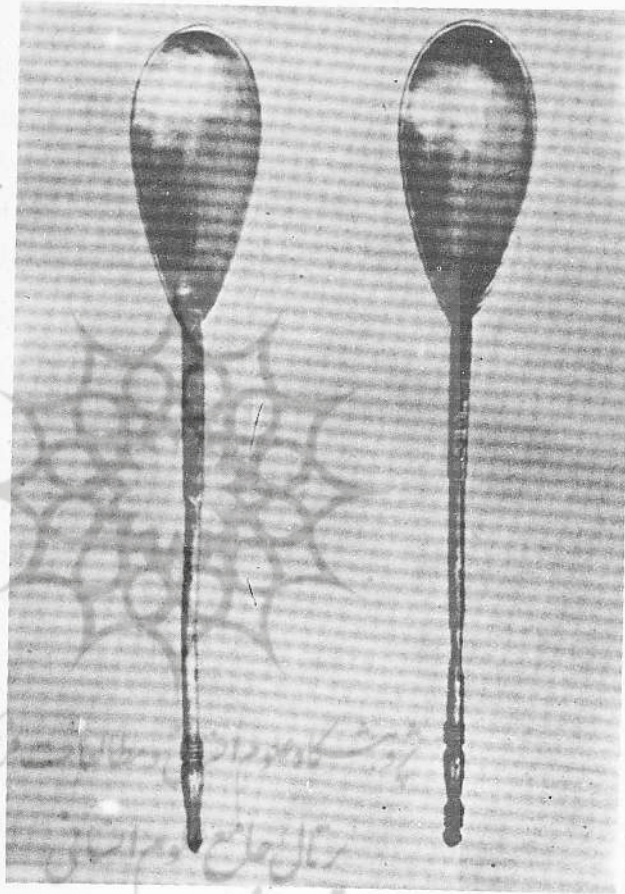
شکل شماره ۳

اختصاری واژه‌ای است به معنای یک واحد معین وزن. نمی‌دانم که آن واژه چیست، یا معرف چه وزنی است، اگر چه بر پایهٔ اوزان خود ظروف، x را معرف حدود ۲۰۰ گرم دانسته بودم. (این رقم را نباید با تعبیر عبارت منقوش بر ظروف به عنوان عدد ۲۰۰ توسط پژوهشگران روس سشبه کرد). شاید این معما به کمک یادداشت‌های دو زبانه گشوده شود.

ظروف سیمین چندی حامل یادداشت به هر دو زبان یونانی و پهلوی بر ملا شده‌اند. در موزهٔ کلیولند^{۱۸}، ساغر سیمینی حامل یک عبارت به این دو زبان موجود است، که هر دو با نقطه‌چین نگاشته شده‌اند. بلافاصله فکر کردم که شاید مقایسهٔ واژهٔ ناشناختهٔ پهلوی با یک واژهٔ آشنای یونانی بتواند یکی از مسایل دستگاه اوزان در امپراطوری ساسانی را حل کند. ولی متأسفانه دریافتیم که دستگاه اوزان در امپراطوری بیزانس به سرزمینی تقریباً نیوییده می‌ماند، و امید این که نظام یکدستی مبتنی بر پوندوس^{۱۹} و لیبرای^{۲۰} رومی وجود داشته توهمی بیش نیست. آشکارا، پژوهندگان تاریخ بیزانس باید ابتدا توجه خود را به این مقوله معطوف کنند، تا بتوانیم مقایساتی با ایران انجام دهیم. اصل مقایسه، به عقیدهٔ من، معتبر است، و باید بتوان اطلاعات مربوط به آثار سیمین بیزانسی و ساسانی را هماهنگ ساخت. تفرقهٔ بیزانسی نه تنها در شمال، بل همچنین در ایران و حتی در جای بعیدی چون مقبرهٔ ساتن هو^{۲۱}، از قبیله سالاران ساکسون^{۲۲} در قرن هفتم میلادی، گسترده بود. قاشق-های یافت شده در مقبرهٔ ساتن هو با قاشق‌هایی که در املش مازندران (کرانهٔ دریای خزر) پیدا شده و اکنون در موزهٔ ایران باستان و یک مجموعهٔ خصوصی در

- 18- Cleveland
- 19- Pondus
- 20- Libra
- 21- Sutton Hoo
- 22- Saxon

تهران نگهداری می‌شوند تقریباً یکسان هستند (شکل ه). در مورد تماس‌های بین این دو امپراطوری در زمینه آثار نقره‌ای هنوز کار بسیاری باید صورت گیرد. یکی از جنبه‌های بسیار جالب توجه در روابط بین بیزانس و ایران، رقابت بازرگانی آنها در روسیه، یا بر سر نفوذ در همسایگان شمالی مشترکشان، که پیش از این بدان اشاره شده، بوده است. می‌دانیم که ساکنان منطقه ولگای علیا و رود کاما^{۲۳} سکه‌های جنوب را تقلید می‌کردند و حتی سکه‌هایی را به شکل نیمه یا



شکل شماره ه

قطعاتی کوچکتر به عنوان پول به کار می‌بردند. آنها احتمالاً همچنین از کاسه‌ها و بشقابهایی که از جنوب می‌رسید تقلید می‌کردند. تعیین عیار نقره اشیاء سیمین محفوظ در موزه ارمیتاژ می‌تواند تفاوت‌هایی حاکی از منشاء محلی و نه وارداتی را مشخص کند. اهمیت پی‌گیر اشیاء سیمین « کار شده» یا حکاکی شده روسی در گاهنامه روسیه قرون وسطی^{۲۴} منعکس است. مثلاً در مورد سال ۱۱۹۴ در گاهنامه نخست نووگورود^{۲۵}،

- 23- Kama
- 24- Medieval Russian Chronicles
- 25- First Novgorod Chronicle

مربوط به قرن چهاردهم ، آمده است که سپاهی از نووگورود به مردمان یوگرا^{۲۶} در منطقه پرم^{۲۷} حمله برد. یوگرایی ها شکست خوردند و متعهد شدند که به عنوان خراج از جمله مقداری « اوزروچیا»^{۲۸}، که در این مورد می تواند به معنای ظروف تزئین شده نقره ای باشد، به نووگورودی ها تأدیه کنند. حتی در قرن چهاردهم ، بشقابهای سیمینی « از نوع ساسانی » در منطقه نووگورود به عنوان « نقره های آن سوی کاما» معروف بودند. در گاهنامه نووگورود مربوط به سال ۱۳۳۲ (۶۸۴۰ در تقویم کهن روسی) آمده است که ایوان کالیتا^{۲۹} از « فوج زرین » بازگشت و خشم خود را متوجه نووگورود کرد و از بازرگانان شهر، خواستار نقره های آن سوی کاما شد. بدین سان احتمال بسیار هست که ظروف سیمین شرقی مدت مدیدی، در مقام اشیاء گرانبها و بسیار مطلوب اهل محل، در شمال روسیه دست به دست می شدند.

اکنون باید روشن باشد که نقره « ساسانی » ، نامگذاری نا به جایی برای همه این اشیاء نقره ای، به ویژه آنهایی که در روسیه یافت شده اند، تشکیل می دهد. از کشفیات باستانشناسان در بخش آسیای مرکزی اتحاد شوروی می توان به وجود چند مکتب مختلف محلی، مانند خوارزمی ، سغدیانی و باکتریایی، و نه صرفاً یک مکتب واحد، پی برد. مورخان هنر می باید در باورهای خود در مورد نقوش منعکس بر اشیاء نقره ای تجدید نظر کنند، و بهترین نحوه این کار آن است که اطلاعات مربوط به همه اشیاء سیمین موجود در یک محل ، مانند انستیتوی آسیایی ، گردآوری شده، در دسترس همه پژوهشگران قرار گیرند. همچنین در تاریخ بسیاری از ظروف نقره ای می باید تجدید نظرهایی صورت گیرد. فی المثل در مورد یکی از بشقابهای معروف محفوظ در موزه ارمنیاز، که قدمت هایی با اختلاف ششصد تا هفتصد سال برای آن تعیین شده بود، به اعتبار تحقیقات مطمئن بوریس ایلیچ مارشاک^{۳۰} معلوم شده است



شکل شماره ۶

که دست کم به قرن یازدهم میلادی مربوط است و محتملاً در سمیرچیه^{۳۱} در آسیای مرکزی ساخته شده است (شکل ۶). به این ترتیب، هنوز کوشش بسیاری باید در این زمینه مهم در آثار نقره ای، که اشتقاق های متعدد تاریخی و هنری دارد، صرف شود.

- | | |
|-----------------|-------------------------|
| 26- Yugra | 29- Ivan Kalita |
| 27- Perm | 30- Boris Ilich Marshak |
| 28- Uzorochniya | 31- Semirechiye |